

## ضرورت مطالعهٔ ادیان

**چکیده:** در مطالعهٔ ادیان، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و هر یک از طرفداران و مخالفان، ادلهٔ خویش را بیان می‌کنند. ما در اینجا ضمن اینکه طرفدار مطالعهٔ ادیان هستیم، به دوازده نکته اشاره می‌کنیم که هر یک از آنها می‌تواند توجیه‌گر مطالعهٔ ادیان باشد. ما اگر بخواهیم به نقد، بررسی یا مطالعهٔ ادیان دیگر بپردازیم، لازم است پس از مطالعهٔ ادیان، این کار صورت بپذیرد، از طرفی دیگر، اگر بخواهیم ابراداتی را که بر اندیشه و دین ما از ناحیهٔ ادیان وارد می‌شود، پاسخ دهیم، ضرورت دارد ادیان را مطالعه کنیم.

**کلیدواژه:** نقد، بررسی، مطالعه، ضرورت، ادیان.

\* دانش‌آموختهٔ حوزهٔ علمیه و عضو هیئت علمی مدرسهٔ عالی امام خمینی (ره).



اگر انسان به پیروی از قرآن کریم که خود را هدیٰ للناس معرفی می‌کند، به هدایت همهٔ افراد بشر بیندیشد و قصد کند که در این راه قدم مؤثری بردارد، از مهم‌ترین مسائلی که در این عرصه باید به آن توجه کند، گفت‌وگو با افراد مختلف به شکلی صحیح و سالم است. در غیر این صورت هر تلاشی در این زمینه می‌تواند به نتیجه‌ای که مطلوب ما نیست بینجامد. استاد شهید مطهری در این باره می‌گویند: «بسیاری از امر به معروف‌ها و نهی از منکرهایی که صورت می‌گیرد، خودش منکر است.» بنابراین و با توجه به اینکه امروزه مطالعهٔ ادیان و گفت‌وگوی میان آنها از ضروری‌ترین مقولات برای پیروان هر دین می‌باشد، لازم است که نکات مهم و مؤثر در ثمردهی این گفت‌وگوها بررسی شده، مورد توجه جدی قرار گیرد:

#### ۱. نکتهٔ اول را با سخنی از امام خمینی آغاز می‌کنیم:

نباید از شنیدن لفظ صوفیه فرار کرد که ما با آنها نیستیم، چون اگر قومی با ما موافق نشدند، [نباید] ما به مناسبت احراز عداوت کلی زمرهٔ مخالفت کلی با آنها سر داده و حرف حق را هم به جهت مخالفت با آنها قائل نشویم، والا اگر بنا بر این باشد، ما باید با تمام الهیین عالم بنای مخالفت گذاشته و اعتقاد به وحدانیت و توحید را هم از دست بدهیم، بلکه لازم است که انسان طریقی را که حق است با هر آشنایی مشی کند و تا وقتی که مقصد یکی است با آنها همراه باشد و هر جا مقصد آنها تفاوت پیدا کرد و راه او از آنان جدا شد، او راه منزل خودش را پیش گرفته و آنها را در راه خودشان واگذارد (تقریرات فلسفه، ج ۱، ص ۲۸۴).

در برخورد با ادیان مختلف باید دقت شود که اگر حقایقی در آنها مورد توجه قرار گرفته است، صرفاً به این دلیل که در فلان دین یا فلان مذهب بیان شده، مورد بی‌اعتنایی یا مخالفت قرار نگیرد؛ چرا که اگرچه گرایش به باطل نکوهیده و ناپسند است، بی‌اعتنایی و یا مخالفت با حقایق هم به همان اندازه غلط و مطرود است، و اگر ما امروز با حقایق دیگر ادیان مخالفت کردیم، ناخواسته به صف طرفداران باطل پیوسته، آنها را یاری داده‌ایم. بدین‌رو باید ادیان را به خوبی و یا حداقل به اندازه‌ای که نیاز داریم، مورد شناسایی و تفحص قرار دهیم. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در عین اینکه در مقام بیان برتری و امتیاز دین اسلام نسبت به سایر ادیان است، زمانی که به هندوییزم

می‌رسد، نکات مثبت موجود در این دین را یادآوری می‌کند و چنین می‌گوید:

یک باحث ناقد وقتی که اوپانیساده‌ها را مطالعه می‌کند، تمام این رسائل، عالم الوهیت در شتون مربوط به آن از قبیل اسماء و صفات و افعال و ... را طوری توصیف می‌کند که امور جسمانی و مادی را آن‌طور توصیف می‌کند... ولیکن در جاهایی از آن تصریح شده به اینکه عالم الوهی ذاتی است، مطلقه و متعالی از اینکه حد و تعریفی آن را محدود کند؛ ذاتی است که دارای اسمای حسنا و صفات علیا از قبیل علم و قدرت و حیات می‌باشد؛ ذاتی است که منزله از صفات نقص و عوارض ماده و جسم، لیس کمثله شیء؛ و تصریح می‌کند به اینکه او متعالی و دارای ذاتی یگانه است که نه از چیزی زاده شده و نه چیزی از او زاده شده است و او را همانند و مثلی نیست؛ و تصریح می‌کند به اینکه حق آن است که غیر او عبادت نشود و با قربانی به غیر او تقرب جسته نشود. او یگانه بدون شریک و سزاوار عبادت است (المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۱).

علامه در جای دیگر می‌نویسد:

کسی که با تأمل عمیق در بخش اوپانیساده و بدای هندی دقت کند و همه اطراف سخنان این بخش را پاییده، برخی را با برخی دیگر تفسیر کند، خواهد دید که هدفی جز توحید خالص و یگانه پرستی ندارد؛ ولی متأسفانه چون بی پرده و لفافه بیان شده، وقتی که نقشه توحید خدای یگانه که در اوپانیساده‌ها تنظیم شده، در سطح افکار عامه پیاده می‌شود، جز بت پرستی و اعتراف به خدایان بسیار از آب در نمی‌آید (قرآن در اسلام، ص ۳۰).

توجه علامه طباطبایی در اینجا به این نکته است که هم مشکل ایجاد شده توسط اوپانیساده‌ها را بیان کند و هم در کنار بیان مشکل، از طرح مزایا و نکات مثبت آن غفلت نرزد. بنابراین خوب است که در مطالعه ادیان، تلاش علمای ما یکسره بر نفی آنان نباشد. در مورد برخی از عقاید ما به حقایق موجود در دیگر ادیان به طور جدی تری توجه داریم؛ مثلاً ما در مورد مهدویت تلاش می‌کنیم که کوچک‌ترین نشانه‌های آن را در دیگر ادیان بیابیم. جا دارد که در مسائل دیگر، به خصوص توحید نیز همین حسن نیت را از خود نشان دهیم؛ چرا که مقصود از امامت و نبوت نیز در نهایت توحید است. در تحف العقول روایتی از قول امام هفتم (ع) نقل شده که خطاب به هشام می‌فرمایند:



یا هشام مکتوب فی الانجیل طوبی للمتراحمین اولئک هم المرخومون (ص ۲۹۳). جمله ای که حضرت بیان داشته اند در اناجیل فعلی به این شکل موجود است: طوبی للرحماء فإنتهم یرحمون (انجیل متی، باب ۵، متن ۷). نتیجه آنکه توجه به نکات مثبت در ادیان دیگر در سیره پیشوایان دینی ما نیز وجود داشته و ایشان در مواظ و بیانات خویش به آنها استناد می کردند. امتیاز بزرگی که توجه به این نکات برای ما دارد این است که به کمک آن می توان نشان داد که علی رغم تمام مشکلاتی که در طول تاریخ در مسیر حق و حقیقت ایجاد شده و علی رغم تلاش همه فتنه گران و باطل گرایان، حقیقت روندی مثبت و رو به جلو داشته است؛ چرا که آثار و نشانه های آن در تمام ادیان به نحوی دیده می شود و همچنان سخنان انبیا حرف اول را می زند و مورد مطالعه قرار می گیرد و نیز تا حدی به کار بسته می شود. البته به گفته امام خمینی ما باید توجه داشته باشیم، تا جایی که ادیان دیگر با ما هم سو بودند، با آنها حرکت و همراهی کنیم؛ ولی هر کجا راه دیگران از ما جدا شد، ما به مسیر خود ادامه دهیم.

۲. امروزه ضرورت دیگر مطالعه ادیان، از آن رو است که تهاجم و خطر جدی از ناحیه ملحدان و بی دینان متوجه ادیان است؛ یعنی جدا از اختلافاتی که در بین ادیان مختلف موجود است، امروزه دشمن مشترکی کلیه ادیان را تهدید می کند. این مسئله همکاری و همدلی پیروان ادیان را بیش از پیش ضروری می سازد و ما را بر یافتن مشترکات ادیان گوناگون بیش از پیش ترغیب می نماید. این مشترکات، گستره بسیار وسیعی از اعتقادات، اعمال و احساسات دینی، از توحید و معاد گرفته تا مسائل حقوقی و فقه و سرانجام مسائل اخلاقی را شامل می شود. وقتی این مشترکات به نحوی شناسایی شد، هم دامنه همکاری ادیان روشن می شود و هم از هدر رفتن نیروها جلو می گیرد. امروزه مسائلی مانند تعارض علم و دین، اثبات وجود خدا، دین و اخلاق، دین و سیاست، کارکرد اجتماعی دین، قلمرو دین و سیل بنیان برافکن تشکیک ها و نقدها که از همه وسایل ارتباط جمعی - از کتاب و مقاله و روزنامه گرفته تا شبکه های تلویزیونی و رادیویی - برای مواجهه با ادیان استفاده می کنند، مربوط به یک دین خاص نیست و تمامی ادیان با آن به نحوی درگیرند. یک گروه یا دین خاص، توانایی و امکان رویارویی با این مسائل و شبهات را ندارد. بنابراین می بایست ادیان افکار و اندیشه ها و امکانات مشترک خود را به کار گیرند و دست در دست یکدیگر (البته با حفظ دیدگاه های خاص خویش) در برابر جریان الحاد ایستادگی کنند؛

چرا که جریان الحاد، تفکیکی میان ادیان یا پیروان آنان قائل نمی‌شود؛ بلکه قصد، نفی اساس دین است.<sup>۱</sup> بنابراین پیروان ادیان نیز در مبارزه با الحاد که دغدغه مشترک آنان است، لازم است از تجربیات، منابع و افکار یکدیگر بهره‌جویند و زمینه را برای استفاده متقابل از امکانات یکدیگر (به خصوص ترجمه کتاب‌ها) فراهم آورند.

۳. آنچه در مطالعه ادیان بیش از هر چیز در میان ما رواج دارد، نقد است که از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار می‌باشد. اما باید توجه داشت که برای انجام یک نقد صحیح و منصفانه در باب ادیان، باز هم مطالعه دقیق آنان ضروری به نظر می‌رسد. چرا که عدم اطلاع در مقام نقد، خود مشکلات فراوانی را به بار می‌آورد. آیا منظور ما از مطالعه ادیان در نهایت امر، دفاع از حقیقت نیست؟ اگر این طور است، آیا عدم اطلاع ما از آموزه‌های ادیان به جای دفاع از حقیقت، موجب پامال شدن آن نیست؟ باید توجه داشت که نسبت غلط دادن به ادیان و مذاهب جایز نیست؛ چرا که این هم شعبه‌ای از دروغگویی است و تقریباً در تمامی ادیان (از جمله دین اسلام) نفی شده است. اگر خواهان آنیم که دیگران در برخورد و نقادی با دین و مذهب ما منصفانه برخورد کنند و تمامی جوانب را بررسی نمایند و صرفاً به یک جمله یا یک کتاب اکتفا نکنند، ما نیز باید در مواجهه با ادیان دیگر به همین شیوه عمل کنیم. در بندهای قبل، شبیه این روش از علامه طباطبایی نقل شد که در باب اوپانیساده‌ها توصیه به «پاییدن تمامی اطراف سخنان آن» کرده و معتقد بود که در این صورت معلوم خواهد شد که هدفی جز توحید خالص و یگانه‌پرستی ندارد. این بر خلاف نگاه رایج در بین ما درباره هندی‌ها است که آنها را گاوپرست و یا بت‌پرست می‌دانیم. گرچه باید تصدیق کرد که هندیان در دین خود دچار خطاهای بسیاری هستند، ولی باید با بررسی دقیق و همه‌جانبه، محاسن و معایب از یکدیگر جدا و دقیقاً نقل شود. نه محاسن یک دین را در پشت معایب آن پنهان کنیم و نه معایب آن را به بهانه محاسنش نادیده بگیریم و هر چه هست عیناً نقل شود. در این صورت، صداقت خود را هم به پیروان ادیان دیگر و هم به کسانی که از پیروان ادیان نیستند، ثابت کرده و زمینه را برای پذیرفتن حقیقت مهیا ساخته‌ایم. اگر این گونه عمل نکنیم، علاوه بر آنکه با نسبت‌های

۱. گفتمی است که ما معمولاً سخنان ملحدین را علیه مسیحیت نقل کرده و نشر داده‌ایم تا بطلان مسیحیت را اثبات کنیم؛ بدون اینکه بخواهیم و بدانیم که با ملحدین همراه و همسو شده‌ایم و به اهداف آنان کمک کرده‌ایم.



دروغی که به ادیان دیگر می‌دهیم، مرتکب کاری ناحق و بر خلاف آموزه‌های دینی خود می‌شویم، پیروان سایر ادیان را نیز نسبت به دین خود بدبین کرده، زمینه پذیرش حق را از بین خواهیم برد. در حدیثی از امام حسن عسگری (ع) به نقل از امام صادق (ع) بیان شده که حضرت در مورد جدال غیر احسن می‌فرماید:

جدال غیر احسن، جدالی است که تو حقی را انکار می‌کنی و نمی‌توانی میان سخنان حق و باطل کسی که در بحث مورد خطاب تو است، تفاوت قائل شوی و می‌خواهی با انکار حق او را از باطل باز داری. این کار حرام است؛ چون تو هم مانند او که حقی را منکر شده، حق دیگری را انکار کرده‌ای (احتجاج طبرسی، ص ۱۴ و ۱۵).

در ابتدای همین روایت از امام نقل شده که می‌فرماید: «جدال غیر احسن آن است که شما با یک باطل گرا بحث کنید و او برای شما یک باطلی را بیان کند و شما آن را با دلیلی که خداوند برای شما قرار داده نقد نکنید؛ بلکه حقی را که باطل گرا از آن برای تأیید باطلش کمک گرفته، انکار کنید؛ چون نمی‌دانید چگونه از آن رها شوید. این کار بر شیعیان حرام است؛ چرا که هم سبب فتنه بر برادران ضعیف خود و هم سبب فتنه باطل گرایان می‌شود. فتنه باطل گرایان از این جهت است که ضعف ضعیفان شما را که در مجادله فرورفته و در دستان آن باطل گرا گرفتار شده‌اند، مشاهده می‌کنند و آن را دلیل بر قوت باطل خویش می‌گیرند. فتنه بر ضعیفان شما از آن جهت است که آنها هنگامی که می‌بینند حق گرا در مقابل باطل گرا چگونه از خود ضعف نشان می‌دهد، غمگین می‌شوند» (همان).

بنابراین برای رسیدن به حق که هدف ما است، نباید از راه‌ها و حجج نامشروع استفاده کنیم، و علاوه بر هدف، روش رسیدن به آن نیز باید حق باشد.

۴. مسئله مهم دیگر در مطالعه ادیان، گفت‌وگوی ادیان است. گفت‌وگوی بین ادیان با اهداف مختلفی صورت می‌پذیرد که شاید مهم‌ترین و بهترین فرض آن هدایت پیروان ادیان باشد. در این بخش نیز مطالعه دقیق ادیان ضرورت دارد؛ چرا که اگر با پیروان ادیان دیگر وارد گفت‌وگو شدیم و آنان احساس کردند که یا سخنان آنان را به درستی مطالعه نکرده‌ایم و یا به درستی نفهمیده‌ایم و فقط به صرف اینکه خودمان را حق می‌دانیم، وارد گفت‌وگو شده‌ایم. بدین‌رو ارزشی برای این نوع گفت‌وگو قائل نخواهند شد و نتیجه‌ای بر این گفت‌وگو مترتب نیست؛ چرا که پیروان ادیان دیگر نیز

هریک می‌توانند بدون مطالعه مطالب ما و با حق دانستن خود وارد بحث شوند و در نهایت هر کس بر موضع خود پافشاری خواهد کرد و به هیچ مطلوبی نخواهیم رسید. به همین دلیل قرآن کریم ما را به جدال احسن دعوت کرده است و در روایات ما جدال غیر احسن نهی شده است: *والجدال بغیر التی هی احسن محرم حرمة الله شیعنا*.

۵. نکته دیگر که مطالعه ادیان را ضروری می‌سازد، بررسی نقش دین در زندگی بشر است. ما ممکن است بخواهیم جدا از اثبات یا نفی یک دین خاص، به طور کلی به بررسی نقش دین در زندگی بشر بپردازیم و مثلاً ببینیم که امروزه ادیان بدون توجه به تنوعی که دارند، در جوامع مختلف و در زندگی یک‌یک افراد بشر چگونه تأثیر می‌گذارند و یا چه تفاوتی میان جوامع دینی و غیر دینی و یا افراد دیندار و غیردیندار وجود دارد. در اینجا نیز ضرورت مطالعه و کاوش در همه ادیان رخ می‌نماید. البته این بحث مطرح است که یک نفر حتی اگر تمام عمر خود را صرف مطالعه در ادیان کند، آیا می‌تواند تمامی آنان را به نحو شایسته بشناسد یا نه؟

۶. مطالعات تطبیقی از دیگر لوازم مطالعه ادیان است. بررسی‌های تطبیقی، خود شامل حوزه وسیعی می‌شود: از مباحث حقوقی و اعتقادی گرفته تا مباحث اخلاقی. البته گاه تفکیک این حوزه‌ها از یکدیگر به آسانی امکان پذیر نیست؛ به‌ویژه در حوزه اخلاق و حقوق. به عنوان مثال بررسی رستاخیز در اسلام و یهودیت، بررسی نبوت در اسلام و مسیحیت، توحید در اسلام و هندویسم، اندیشه‌های مدیریتی و سیاسی در اسلام و آیین کنفوسیوس، ریاضت در اسلام و آیین بودا، منجی (مهدی و سوشیانت) در اسلام و زردشت، از موضوعات این گونه مطالعات است. برای مطالعات تطبیقی نه تنها مطالعه منابع ادیان به طور دقیق لازم است، بلکه حتی الامکان باید از منابع دست اول و معتبر در هر یک از ادیان استفاده شود؛ چرا که منابع غیر معتبر یا دست‌چندم مطالب را در بسیاری از موارد غلط یا غیر دقیق می‌نویسند. چنان‌که ما نیز در دین اسلام در منابع غیر معتبر خود مطالب ناصحیحی داریم که کسی نمی‌تواند با توجه به آن مطالعات عمیقی درباره اسلام و تشیع انجام دهد. همچنین باید امانت را رعایت کرده، نسبت دروغ به منابع ادیان دیگر ندهیم. در برخی روایات ما آمده است:

انظر الی ما بلغ به علی (ع) عند رسول الله (ص) فالزومه لیان علیاً انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله بصدق الحدیث و اداء الامانة (محنة البیضاء، ج ۴، ص ۳۵۶).



همان طور که دیده می شود، در این دسته از روایات تأکید بر این است که علی (ع) با راستگویی و امانتداری به آن جایگاه مخصوص نزد پیامبر دست یافت.

۷. گاهی اوقات ما به مطالعه ادیان می پردازیم، برای اینکه به حقیقت برسیم و بعد چنین بگوییم که اگر ما اسلام را پذیرفتیم نه به این خاطر است که از قبل مسلمان بوده ایم یا پدر و مادرمان مسلمان بوده اند، و نه به این خاطر که در علم کلام اثبات شده که اسلام دین حق و بقیه ادیان باطل اند، بلکه ما خود پس از بررسی فراوان و تحقیق، به این نتیجه دست یافتیم که اسلام بر حق است. به عبارت دیگر برای اینکه نشان دهیم که ما به نحوی پسینی و نه پیشینی و با مطالعه و تحقیق فراوان و از روی دلیل و برهان، دین خود را پذیرفته ایم، به مطالعه در زمینه ادیان روی می آوریم. در این حالت لازم است که هر میزان که در مورد مکاتب و ادیان فرصت مطالعه یافتیم، به همان میزان نیز در مورد آنان اظهار نظر کنیم و نقاط قوت و ضعف را در همان حیطه ای که مطالعه کرده ایم، بیان نماییم. اگر در دین یا مذهبی فرصت مطالعه نداشتیم و مطالعه نکردیم، انصاف نیست که مدعی بررسی و مطالعه در همه ادیان و مذاهب شویم. اگر کسی مدعی شود که دین اسلام و تشیع را به طور کامل مطالعه کرده است و سپس برخی دیدگاه های غلط را به تشیع نسبت دهد، مثلاً بگوید شیعیان، قرآنی غیر از قرآن مسلمانان دارند، یا شیعیان اهل عبادت نیستند، یا شیعیان، امام علی (ع) را برتر از پیامبر می دانند، هرگز نخواهیم پذیرفت که این فرد تشیع و اسلام را به طور کامل و دقیق مطالعه کرده باشد. بدین رو هنگام مطالعه در دین و آیین دیگران، بر ما نیز فرض است که منصف، دقیق و معتدل باشیم؛ چرا که اگر ما امروز به شکلی منصفانه در مورد دیگران قضاوت کنیم، می توانیم از آنان این انتظار را داشته باشیم که آنان در مورد ما نیز به همین شکل قضاوت نمایند.

۸. امروزه عده زیادی از سراسر جهان به ایران آمده اند تا اسلام را آموزش ببینند و هنگامی که به کشور خود برگشتند، اسلام و به خصوص اسلام شیعی را در آن کشورها تبلیغ کنند. قهرأ در مسائلی که برای آنان مطرح می شود، سخن از ادیان دیگر نیز به میان می آید. در اینجا ضرورت دارد که برای این افراد استادانی را تربیت کنیم که با آگاهی دقیق از ادیان دیگر بر سر کلاس ها حاضر شوند؛ چرا که بسیاری از این افراد، پیش تر پیرو یکی از ادیان دیگر (به خصوص مسیحیت) بوده اند. اگر استاد ناآگاهی مطلب نادرستی را به یکی از ادیان نسبت دهد، تعداد زیادی از این افراد بطلان سخنان او را در



می‌یابند و به تعبیر روایت امام صادق (ع) موجب فتنه می‌شود و از طرف دیگر باید توجه داشت که این افراد بعد از آنکه تعلیم دیدند، به کشورهای خود باز خواهند گشت. به عبارت دیگر این افراد قرار نیست که برای همیشه در ایران و قم باقی بمانند. آنان به کشورهایشان که اکثریت مردم، به ادیان دیگر مانند بودیسم، هندویسم، مسیحیت و... پایبند هستند، باز خواهند گشت. حتی اگر این احتمال را بدهیم که این افراد از ادیان مورد نظر اطلاعی نداشته باشند و فعلاً برخی سخنان خطای ما را بپذیرند، آیا بعد از بازگشت به کشور خود و نقل این سخنان و مواجهه با دلایل و جواب‌های پیروان ادیان دیگر، همچنان به آنچه به آنان در قم آموزش داده شده، پایبند می‌مانند؟ آیا حداقل به عنوان تکلیف ثانوی، لازم نیست به میزانی که رافع نیاز ما است، به مطالعه ادیان بپردازیم؟

۹. حداقل در مورد چهار دین (مسیحیت، یهودیت، صابئین و مجوس) مخصوصاً در حوزه روایات، مطالب فراوانی در منابع جهان اسلام وجود دارد. برای به دست آوردن اطلاعات درست در مورد این روایات (با توجه به اینکه روایات مربوط به ادیان یک دست نیست و وضع و جعل در این بخش کاملاً محتمل است) و دستیابی به یک قضاوت صحیح در مورد این ادیان، نیاز جدی به مطالعه دقیق ادیان وجود دارد. مثلاً در مورد صابئین در منابع اسلامی اختلاف وجود دارد و از سوی دیگر دیدگاهی که امروزه خود صابئین ارائه می‌دهند با این دیدگاه‌ها در تعارض است. مسئله مجوس از صابئین نیز دشوارتر است. با بررسی روایات، سؤالاتی مطرح می‌شود که آیا «مجوس» یک عنوان است که در دیگر ادیان نیز یافت می‌شود یا تنها اختصاص به ایران دارد و اگر اختصاص به ایران دارد، آیا مربوط به ادیان قبل از زردشت است یا مربوط به دوران زردشت است؟ و سرانجام هر دسته از این روایات که درست باشد، روایتی که می‌گوید: القدرية مجوس هذه الامة به کدام مجوس اشاره دارد؟ جدا از اختلاف مسلمانان در این باره که مقصود جبر است یا تفویض و جدا از بحث سندی در مورد این روایات، باید با مطالعه و تحقیق روشن کنیم که مجوس کیست؟ باب جبر و اختیار، چه نظر دارد؟ و در هر صورت آیا حدیث، به جبر اشاره دارد یا تفویض؟

متأسفانه ما از تحقیقاتی که متفکران مسلمان در تاریخ اسلام انجام داده‌اند، بیگانه شده‌ایم. گاه در برخی کلاس‌ها، استاد اشکالی را مطرح می‌کند و طلاب با شوق بسیار به این اشکال گوش می‌دهند و گویی نکته تازه‌ای کشف شده است! حال آنکه همین بحث در قرن پنجم بین متفکران اسلامی مطرح بوده و جواب آن داده شده است. بسیاری از

قدمای ما از ادیان، اطلاعات دقیقی داشته‌اند؛ در حالی که ما امروز خیلی از آن فاصله گرفته‌ایم و شاید با بیگانگی محض، فاصله‌ای نداشته باشیم.

۱۰. یکی دیگر از مسائل مهم در باب مطالعه ادیان، چگونگی پرداختن به آن در مراکز دانشگاهی کشور است. لازم است که حوزه علمیه نسبت به مباحثی که در مراکز دانشگاهی در این زمینه مطرح می‌شود، آگاه باشد. زیرا در رشته‌های مرتبط با ادیان - مانند ادیان و عرفان و کلام جدید - مطالب زیادی در دانشگاه‌ها مطرح می‌گردد و این مطالب از طریق دانشجویان این رشته‌ها در سطح جامعه منعکس می‌گردد. لذا جدا از اینکه موضع ما در مورد این مباحث چه باشد، اطلاع داشتن نسبت به آن لازم و ضروری است و چه بسا بعد از اطلاع حاصل کردن از مباحث مطرح در محافل دانشگاهی، برخی را قابل نقد و برخی را خطا ببینیم. به عنوان نمونه، کتابی با عنوان سر اکبر اوپانشادها ترجمه شده که مترجم در ابتدای آن می‌نویسد:

هنگامی که کتاب را ترجمه کردم، استخاره کردم و این آیه آمد: کتاب انزلنا الیک لتخرج الناس من الظلمات إلى النور.

وی همچنین معتقد است، آنجا که قرآن فرموده: فی کتاب مکنون منظور از «مکنون» اوپانشادها هستند (سر اکبر اوپانشادها، ج ۱، ص ۴-۶). مباحثی شبیه به این مطلب در برخی محافل دانشگاهی مطرح می‌شود و کتاب‌هایی مانند تلمود و گنجینه تلمود در اختیار دانشجویان و اساتید قرار دارد. لذا لازم است که ما متون درسی دانشگاهی را در این زمینه مرور کرده، از آن اطلاع کافی داشته باشیم. البته باید توجه داشت که وجود مطالبی مانند مطلب فوق، نباید به تخطئه کلیه دانشجویان و اساتید زحمت کش در این حوزه بینجامد.

۱۱. مطالعه ادیان از نظر حیثیتی نیز برای طلاب حوزه علمیه حائز اهمیت است. چرا باید وضعیت ما این گونه باشد که یک شخصیت روحانی در سخنرانی عمومی که از رسانه‌ها پخش می‌شود، اعلام کند که «من در عجبم یهودیان چگونه به دنبال هیکل سلیمان می‌گردند، حال آنکه آنان مجسمه سازی را حرام می‌دانند.» این سخن کاملاً نشان از عدم مطالعه دارد؛ چرا که مقصود از «هیکل» در نزد یهودیان مجسمه نیست، بلکه معبد سلیمان است.

۱۲. آخرین نکته، این است که مطالعه ادیان دیگر از این جهت که با انتقادات و ایراداتی آشنا شویم که دیگران بر تفکرات و دین و مذهب ما وارد کرده‌اند، لازم و

ضروری است. بسیاری از تلاش‌هایی که در طول تاریخ اسلام در دفاع از اسلام صورت پذیرفته و یا در تبیین و تفسیر آن مؤثر بوده است، به خاطر نقدها و ایرادهای دیگران بوده است. برای دانستن چگونگی جایگاه دین ما در نزد دیگران و دادن پاسخ به آنان، لازم است سخنان پیروان دیگر ادیان را بخوانیم و بدانیم درباره ما چه می‌گویند. به گفته برخی طلاب هندی در هندوستان اشکالی بر مسلمانان مطرح می‌شود که وقتی مسلمانان متهم به تروریسم هستند، چرا در قرآن آیات مربوط به جهاد وجود دارد. به همین دلیل در هند سعی می‌شود که قادیانی‌ها که جهاد را از اسلام حذف کردند، در بین دیگران به عنوان مسلمانان قابل قبول جا بیفتند. اطلاع ما از این مسئله می‌تواند به ما کمک کند که هم صف مسلمین را از صف تروریسم جدا کنیم و هم از جهاد به عنوان مسئله‌ای که ریشه در فطرت بشر دارد، دفاع نماییم. می‌توان به این نکته تمسک جست که در هیچ کجای جهان، کشوری که خود را بی‌نیاز از تجهیزات نظامی ببیند، نیست. پس حداقل جهاد دفاعی را همه قبول کرده‌اند و در مورد بقیه اقسام نیز می‌توان بحث کرد.

بنابراین به دلایل متعددی، از جمله نقد، تحقیق و دفاع پرداختن به ادیان، برای طلاب حوزه علمیه ضرورت دارد.

#### فهرست منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله، تقریرات فلسفه، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۲. طباطبائی، محمدحسین، قرآن در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۴. کتاب مقدس، ترجمه عربی، چاپ پنجم، ۱۹۹۵ م، چاپ مصر - قاهره.
۵. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، مطبعة النعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ هـ. ق.
۶. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، محجة البیضاء، مکتبة الصدوق، تهران ۱۳۳۹ ش.
۷. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، مکتبة بصیرتی، ۲ جلد، قم، ۱۳۹۴ هـ. ق.
۸. سراکیر اوپانیشاد، ج ۱، ترجمه: محمد داراشکوه، انتشارات علمی چاپ چهارم، ۱۳۸۱ هـ. ق.

